



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.85169.1251>



پژوهشی

تبیین اثرات قشربندی‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوامع روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زاهدان)

احمد حجاریان (پسادکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران).

a.hajarian@ltr.ui.ac.ir

چکیده

مفهوم مشارکت سیاسی دربرگیرنده گروهی از راهبردها، مفاهیم، اندیشه‌ها و سازمان‌های نوینی است که تأمین‌کننده نیازهای اجتماعی است. از طرفی قشربندی اجتماعی در ارتقا و یا کاهش شاخص‌های آن نقش بسیار موثر دارند زیرا درک و آگاهی از تأثیر قشربندی اجتماعی بر فضاهای روستایی، تصویر متفاوت و متنوعی را ارائه می‌دهد که تحقیق حاضر سعی داشت جنبه مشارکت سیاسی ساکنین را در نواحی روستایی مورد مطالعه، بررسی کند. تحقیق بر مبنای هدف کاربردی و از حیث امکان کنترل متغیرها، از نوع تحقیقات شبه تجربی بود، زیرا با توجه به پس‌رویدادی بودن تحقیق امکان کنترل متغیرها به نحو کامل وجود ندارد. در این تحقیق با مطالعه ادبیات نظری و تحقیقات گذشته، متغیرها و ابعاد تحقیق در ۴ بعد کلی مشخص گردید. پیشینه ذهنی، مردسالاری، انگاره‌های مذهبی و جامعه‌پذیری طبقاتی که تفسیر آن در کلیت مشارکت سیاسی در نواحی روستایی شهرستان زاهدان، مورد توجه بود. نتایج حاکی از آن است که بیشترین معیار مردسالاری و کم‌اهمیت‌ترین معیار جامعه‌پذیری طبقاتی در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) نقش دارد. تحقیق توجه به قشربندی اجتماعی را در قالب کاهش اثرات آن و بهبود معیارهای مشارکت سیاسی در نواحی روستایی مورد مطالعه بیان می‌دارد.

واژگان کلیدی: مناطق روستایی، قشربندی اجتماعی، مشارکت سیاسی، شهرستان زاهدان.

مقدمه

پدیده مشارکت بارزترین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده است (Hooghe&Morien, 2013). در حقیقت مشارکت حق انسانی است که به لحاظ غایتی، به آزادسازی و اعتماد به خویشتن و از نظر ابزاری به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایند عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود (Rodríguez).

(Hidalgo et al, 2018). از آنجا که مشارکت زیربنای متون سیاسی می باشد، یکی از پایه‌های ضروری در بحث مشارکت، مشارکت سیاسی می باشد. در حقیقت مشارکت سیاسی را می توان به صورت هرنوع تجربه تاریخی دموکراسی با حضور و مداخله افراد، گروه‌ها و نهادهای مدنی مختلف و به واسطه عمل به تکلیف شهروندی تعریف کرد (Bennett & McWhorter, 2019). همچنین مشارکت سیاسی از اصلی ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی به شمار می آید (Lamprianou, 2013).

قشربندی اجتماعی نظامی است که افراد را بر حسب میزان برخورداری شان از کیفیت‌های مطلوب رتبه بندی کرده و آنها را در طبقات اجتماعی متناسب با وضعیت شان جای می دهد. این کیفیت‌های خوشایند را فرهنگ هر جامعه‌ای مشخص می کند (کوئن، ۱۳۹۷ : ۱۷۸). در حقیقت قشر بندی اجتماعی رده بندی گروه‌ها و افراد بر حسب سهم آنان از دستاوردهای مطلوب و حائز ارزش اجتماعی است (ساروخانی، ۱۳۷۰ : ۷۳۱). بر مبنای نظام قشربندی، رتبه بندی افراد بر حسب شمار کیفیت‌های مطلوبی است که این افراد مشترکا دارا هستند (انصاری، ۱۳۷۵). به عقیده بیلتون، قشربندی اجتماعی تقسیم و تفکیک جامعه به لایه‌ها یا اقشار نابرابر از لحاظ درآمد، ثروت، جنسیت، قدرت، منزلت، سن، مذهب یا برخی ویژگی‌های دیگر است (Bueno et al, 2003). در این متن او تاکید می کند که قشربندی اجتماعی پروسه‌ای است که تمامی اشکال نابرابری را در برمی گیرد (Bilton et al, 2002). از این رو، قشربندی را به ساده ترین شکل می توان چنین تعریف کرد که نابرابری‌های ساخت یافته میان گروه بندی‌های مختلف مردم است. در مناطق روستایی قشربندی‌های اجتماعی یک نفوذ فراگیر در تغییر شکل مناطق روستایی بوده که به همین ترتیب هم چالش‌ها و هم فرصت‌های توسعه روستایی را به همراه دارد (Woods & McDonagh, 2011). در ارتباط با این موضوع، امروزه قشربندی‌های اجتماعی به عنوان یک پدیده فراگیر اثرات فراوانی بر سبک زندگی مناطق روستایی داشته که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی، تحلیل و آسیب شناسی است. اما یکی از جنبه‌های بسیار ملموس اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوامع روستایی می باشد (وثوقی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷). که به تبع آن مشارکت سیاسی را در یک جوامع روستایی برای عده‌ای افزایش و برای عده‌ای دیگر کاهش می دهد.

شهرستان زاهدان با توجه به وجود تمایزات مذهبی، قومی، سیاسی و اقتصادی که در خود دارد، به طوری که در قالب ده‌ها طایفه بزرگ و کوچک سازماندهی شده اند. به عنوان مثال شمار طایفه‌های بلوچ را ۱۵۰ طایفه کوچک و بزرگ ذکر کرده اند (جهانبانی، ۱۳۳۸: ۶۲). شهرستان زاهدان از دید ترکیب قومی، شامل بلوچ‌ها و سیستانی‌ها است. این دو گروه از نظر مذهبی از همدیگر تفکیک می شوند. سیستانی‌ها اکثرا شیعه مذهب هستند و در این ویژگی با بدنه‌ی اصلی کشور سنخیت دارند و بلوچ‌ها اکثرا سنی مذهب بوده و در این ویژگی با بدنه‌ی اصلی کشور تفاوت دارند (غراب، ۱۳۶۴: ۲۵). به رغم اهمیت قشربندی در جامعه مورد

مطالعه و گستردگی نفوذ آن بر پدیده‌ها و امور اجتماعی مختلف، مطالعه اختصاصی آن بر مشارکت سیاسی چندان مورد توجه محققان قرار نگرفته است.

بنابراین با توجه به آن چه که گذشت، تحقیق از رهگذر تأثیر قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی در مناطق روستایی، کوشش دارد این موضوع را بررسی کند که عناصر قشربندی اجتماعی در روستاها موجب چه تغییراتی در سطح مشارکت ساکنان این نواحی شده است. تحقیق در ادامه پیشینه مرتبط با موضوع تحقیق را بررسی می‌کند و سپس پس به بررسی ادبیات نظری تحقیق خواهد پرداخت.

پیشینه تحقیق

امیرپور سعید، محمد علی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی قشربندی و نابرابری اجتماعی بررسی دیدگاه ماکس وبر می‌پردازد. رویکرد وبر به قشربندی اجتماعی بر مبنای تحلیلی که مارکس پرورانید بنا می‌شود، ولی او این تحلیل را شرح و بسط داد. یکی از جنبه‌های مهم تحلیل وبر این است که قشربندی را به عوامل اقتصادی تقلیل نمی‌دهد بلکه آن را چند بعدی می‌بیند.

قادری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه‌بندی فرهنگی-اجتماعی محله‌های شهر تهران می‌پردازد. راساس نتایج، سه شاخص قدرت اقتصادی، پایگاه اجتماعی و تعلق محلی - به‌عنوان مفاهیمی که بیانگر ثروت، منزلت و رضایت از محل زندگی‌اند - هم‌بستگی معنادار و زیاد دارند.

طهماسبی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که سه الگو مشارکت سیاسی در ایران پدید آمده است که عبارتند از: الف) الگوی رابطه تخصم که پیروان آن از فرآیند مشارکت سیاسی طرد شده‌اند؛ ب) الگوی مشارکت سیاسی غیرحمایتی که به طور مداوم در حال جذب و طرد از جریان اصلی قدرت سیاسی در ایران هستند؛ ج) الگوی حمایتی که وظیفه تولید و بازتولید نیروهای سیاسی هوادار نظام سیاسی را بر عهده دارند و به دلیل حمایت نظام سیاسی از پیروان این جریان سیاسی، دارای الگوی مشارکتی فراگیر و چرخه کامل مشارکت سیاسی‌اند.

حیدری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه اعتماد نهادی با گونه‌های مشارکت سیاسی پرداخته است. بر اساس نتایج تحقیق، بیشترین و کمترین نوع مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات و شرکت در اعتراض‌های سیاسی بوده است.

خدادی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر قشربندی، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی جامعه خوزستان بعد از انقلاب اسلامی پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ که قشربندی جامعه خوزستان در یک فرآیند چند بعدی زمینه ساز شکل‌گیری ساختار معناداری مبتنی بر مولفه‌های قدرت، ثروت و فرهنگ

اجتماعی در تعامل با ویژگی‌های اکتسابی دانشجویان بومی نظیر تحصیلات، منزلت و ارزش‌های علمی گردیده و موجب خلق الگویی تلفیقی بر مبنای عناصر سنتی و مدرن گردیده که توأمان بر آگاهی بخشی و مشارکت سیاسی این طیف تأثیر خاص خود را بر جای گذاشته است.

مبارکی و محدثی (۱۳۹۹) به بررسی انقلاب اسلامی و تحول نظام قشربندی در سیستان و بلوچستان پرداخته است. براساس نتایج پژوهش، با وقوع انقلاب اسلامی، نظام موجود کوشید گماشتگان نظام قبلی را که در معادلات قدرت صاحب نفوذ بودند، از معادلات حذف کند و نیروی‌های هم‌سو با نظام را وارد معادلات نماید. در نخستین سال‌های انقلاب، سه گروه خوانین، تحصیل‌کرده‌های مدارس دینی (مولوی‌ها) و تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی می‌کوشیدند سهمی در معادلات قدرت داشته باشند که در میان آن‌ها، مولوی‌ها توفیق بیشتری برای حضور در مناسبات پیدا کردند.

احمدی و رضایی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که متغیرهای شادکامی، تأمین، نیازها، مقایسه‌های نسبی و تحصیلات دارای تأثیر مثبت (مستقیم) بر میزان مشارکت سیاسی در بین معلمان هستند و متغیر ترجیحات با ضریب $(-۰/۳۴)$ دارای تأثیر کاهنده بر میزان مشارکت سیاسی است؛ اما رابطه بین متغیرهای «سن، جنس، وضعیت تأهل» یا مشارکت سیاسی معنادار نبود.

لایگلی (۲۰۰۳) در مقاله‌ای نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. او نتیجه می‌گیرد بحث با دوستانی که به سیاست علاقه‌مندند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند؛ می‌تواند در یادگیری فعالیت سیاسی کمک کننده باشد.

در برخی مطالعات نقش مشارکت اجتماعی بررسی شده است و در برخی دیگر قشربندی اجتماعی، اما موردی از آنها یافت نشد که اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی جوامع روستایی را براساس شاخص‌های مندرج مورد بررسی قرار داده باشد. بنابراین، مطالعه حاضر به دنبال عرضه بینش‌های کاربردی و ارزشمند و نیز پر کردن شکاف علمی نسبت به موضوع تحقیق که با هدف نهایی تحلیل قشربندی اجتماعی و نقش آن بر مشارکت اجتماعی انجام شد. در این تحقیق با این آگاهی که مناطق روستایی به عنوان یکی از نمادهای مشارکت جمعی در یک سرزمین بوده که در صورت از بین رفتن مشارکت به صورت اعم و مشارکت سیاسی به صورت اخص، ماهیت روستا نیز تغییر می‌یابد؛ از نگاه قشربندی اجتماعی که پیامدهای آن در نواحی روستایی شهرستان زاهدان ملموس‌تر بوده به جنبه اثرات آن بر مشارکت سیاسی در ناحیه روستایی می‌پردازد.

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

مشارکت سیاسی و اجتماعی در زمره موضوعاتی است که در دیدگاهها و تئوریهای گوناگون اجتماعی و سیاسی به دلیل پیوند با پدیده‌های فراگیری نظیر آگاهی عضویت و تعلق جمعی و انسجام اجتماعی که تعیین کننده جهت‌گیریهای شناختی و کنشی افراد می باشد مورد توجه ویژه ای قرار گرفته و به شیوه‌های مختلفی مفهوم سازی شده است. نظر به ماهیت چندوجهی و پیچیده مشارکت سیاسی و تاثیرپذیری از عوامل عدیده ای در سطوح خرد، میانی و کلان، هیچ یک از دیدگاهها و رویکردهای نظری به تنهایی قادر به تبیین مشارکت سیاسی نیست،

مفهوم مشارکت سیاسی:

یکی از مهمترین لوازم انسان بودن و رشد و ترقی بعدی آن، شرکت در زندگی جمعی و مشارکت سیاسی است و به دلیل اهمیت و برآیند های اساسی مشارکت سیاسی، کمیت و کیفیت آن همواره مورد علاقه جامعه شناسان و اندیشمندان سیاسی بوده است. مشارکت سیاسی از جنبه‌ی نظام سیاسی توسعه یافته به معنای وجود رقابت و منازعه مسالمت‌آمیز بین بخش‌های گوناگون جامعه سیاسی برای به دست آوردن قدرت و اداره جامعه و تعریف مصالح عموم است» (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱). در واقع می‌توان گفت که مشارکت سیاسی، مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش و شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و نیز تأثیر گذاشتن بر صورت بندی و هدایت سیاست‌های دولت است (آقا بخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴: ۲۵۹).

مشارکت سیاسی کنشی است که پیوند و ارتباط محکم با پیش زمینه‌ها و انگیزه‌های انسان دارد (Ikeda, 2014). برای تأثیرگذاری بر مشارکت سیاسی شهروندان، عوامل فردی، اجتماعی و روانی اقتصادی مؤثر هستند. در نتیجه مشارکت سیاسی همگام با ویژگی‌های شخصی افراد فرق می‌کند. شخصیت‌های اجتماعی مسلط‌تر و بیرون‌گراتر، از نظر سیاسی فعال‌ترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود بطور قابل ملاحظه‌ای در مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد. محیط یا زمینه‌ی سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است، مشارکت، شکل و یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد تشویق کند یا برعکس مشوق مشارکت نباشد (راش، ۱۳۸۷: ۱۳۵). ولی قدر مسلم این است که مشارکت از جنبه‌های مختلف، چه در نحوه، چه در نوع و چه در علت مشارکت و عدم آن، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است. از این رو مطالعه جایگاه زمینه‌ها و عوامل مختلف در رابطه با مشارکت سیاسی، تعیین کننده در نوع مشارکت سیاسی است، به ویژه این که مشارکت سیاسی در چهارچوب قشربندی‌های اجتماعی چگونه عمل می‌کند، اساساً مهم تلقی می‌شود.

مفهوم قشربندی اجتماعی:

قشربندی مکانیسمی اجتماعی بشمار می‌آید که جایگاه اجتماعی توسط افراد شایسته را تضمین می‌کند. قشربندی اجتماعی پدیده‌ای است که همه جا، همه وقت حضور دارد و با سایر نهادهای اجتماعی در ارتباط نزدیک است و پیامدهای مشخصی در زندگی اجتماعی دارد. توسعه فرهنگ سیاسی به عنوان یکی از نهادهای اساسی جامعه در جهت توسعه فرهنگی و پایدار مطرح است و برای آنکه شهروندان به نحو مطلوبتر بتوانند ترجیحات خود را ابراز و نمایندگانشان را انتخاب نمایند، باید از حداقل آگاهی در زمینه سیاسی برخوردار باشند. مشارکت سیاسی نیز به عنوان یکی از ابعاد مهم فرهنگ سیاسی مورد توجه جامعه‌شناسان سیاسی بوده است.

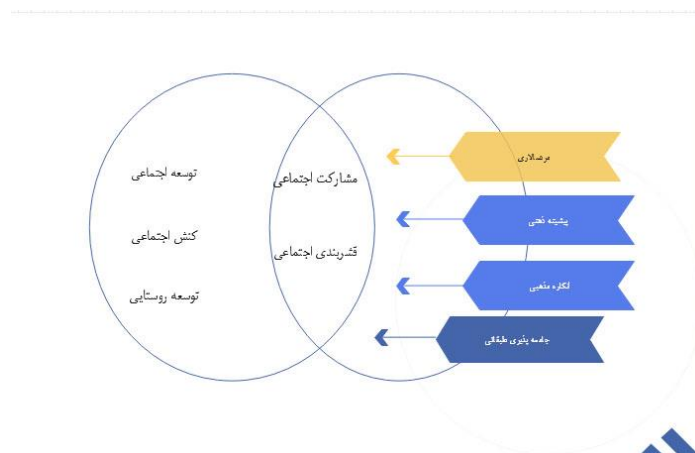
قشرهای اجتماعی یکسان نیستند و معمولاً افراد یک قشر اجتماعی از فرصت‌های زندگی و شیوه‌های زندگی مشابهی برخوردار هستند و از نوعی آگاهی از موقعیت‌های خود برخوردار هستند (ملک، ۱۳۹۷: ۱۶). یکی از مفاهیم اساسی که لازم است در توصیف ساختار اجتماعی هر جامعه‌ای بررسی و تحلیل شود، نظام قشربندی اجتماعی آن جامعه است و مهمترین تفاوت‌ها آنهایی هستند که به تعبیر جامعه‌شناسی، ساختاری شده‌اند و جزء لازم کنش متقابل اجتماعی و مستمر افراد هستند (قادری، ۱۳۷۵: ۷۳۲). مطالعه قشربندی اجتماعی از آن جهت حائز اهمیت است که قشربندی عامل تفکیک و تمایزات خاصی است که نمود آن در حوزه شیوه‌ها و سبک زندگی، سازماندهی اجتماعی، تقسیم کار، برخورداری از مزایا و ... در دنیای امروز به شدت گسترش یافته است. قشربندی اجتماعی به سلسله مراتب نظام‌مندی از مردم یا گروه‌های مردمی گفته می‌شود که در همه جوامع شناخته شده وجود دارد و این سلسله مراتب، با توزیع نابرابر منابع، امتیازات اجتماعی و دستیابی به فرصت‌های زندگی مرتبط است (قادری، ۱۳۹۷: ۷۳۳). کرامپتون (۱۳۹۶) درباره قرایی دو مفهوم قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی بیان می‌کند: در جامعه‌شناسی، ارای نظری درباره مشارکت سیاسی مبتنی بر رویکرد موجود به قشربندی اجتماعی است که طبقات را گروه‌های شغلی به شمار می‌آورد. او همچنین اشاره می‌کند قشربندی اجتماعی بیانگر نظم سلسله مراتبی روابط اجتماعی است و اصطلاحی عام برای وصف این ساختارهای نابرابر به شمار می‌رود.

از مهم‌ترین نظریه‌پردازان قشربندی اجتماعی «ماکس وبر» را می‌توان نام برد. او معتقد به چند گانگی جنبه‌های قشربندی اجتماعی است چنان که بر باور او، نابرابری‌های اجتماعی تنها بر پایه‌های اقتصادی استوار نیستند و شاخص آنها را می‌توان در زمینه‌های دیگر همچون سیاست، مذهب و دیگر پدیده‌های اجتماعی که در روند نابرابری اجتماعی نقش مهمی دارند جستجو نمود. وبر بر این باور بود نیروهای غیراقتصادی گهگاه بر پدیده‌های اقتصادی نیز چیره گشته، حتی آنها را رهنمون می‌گردند (کمالی، ۱۳۹۲: ۹۹ و ۱۰۰). در واقع مسئله اصلی وبر در قشربندی اجتماعی «قدرت» است. و همچنین سه بنیان اصلی توزیع قدرت را طبقات، گروه‌های منزلت و احزاب می‌داند؛ بنیان‌هایی که مجموعه‌ای از منافع را بوجود می‌آورند و ماهیت و میزان

نابرابری را تعیین می‌کند (اگر ب، ۱۳۷۳: ۸۰). در واقع وبر برای قشربندی اجتماعی سه بعد اقتصادی، منزلت و قدرت را در حالی که در کنش تقابل هستند ولی به صورت مجزا بررسی می‌کند. طبقه و گروه‌های منزلت به اقتصاد و نظم اجتماعی و توزیع قدرت سیاسی به حزب تعلق دارد. مثلث وبری «منزلت، ثروت و قدرت» برای مطالعه نابرابری اجتماعی و ساخت قشربندی اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است (انصاری، ۱۳۷۸: ۲۶).

قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی:

منابع با ارزش اجتماعی، به یک معنا، موجب «کنش» یا مشارکت هستند (Exposito, 2014). در این صورت کنش‌گر در جهت اهداف و مقاصد خود بسیج می‌شود. چنان‌که رابرت لین برخی نیازها و انگیزه‌های آگاهانه و ناخودآگاه را که با مشارکت سیاسی در زندگی سیاسی ارضاء می‌شود مانند: نیازهای مادی، نیاز به دوستی و محبت، تسکین تنش‌های روانی و سلطه‌جویی بر دیگران را مطرح می‌کند (صبوری، ۱۳۸۷: ۱۴۱). در نهایت کسانی که قدرت سیاسی را در دست دارند، از مزایایی که این قدرت به همراه می‌آورد، از جمله مزایای مادی، و غیر مادی بهره‌مند می‌شوند. این امتیازات اقتصادی و غیر اقتصادی موضع آنها را تقویت می‌کند. هر چه قدرت سیاسی بیشتر باشد، سهم دسترس‌پذیری هم بیشتر خواهد بود. بنابراین مشارکت سیاسی مردم بر حسب قشربندی‌های اجتماعی آن محیط تعیین می‌شود. فرهنگ سیاسی ایران، فرهنگ تابعیت در مقابل فرهنگ مشارکت بوده و مجاری جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری روی هم رفته این نوع فرهنگ را تقویت کرده است. در نتیجه در این فرهنگ تابعیت، قشربندی اجتماعی تاثیرگذار بوده و مصدر همه خدمات همین قشربندی می‌باشد. بر این اساس در سالهای اخیر در پرتو برجستگی تاثیر قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، توجه محققان از رهیافت‌های تبیینی روان‌شناسانه و فردگرایانه به سمت رهیافت‌های جامعه‌شناختی تر بررسی مشارکت سیاسی معطوف شده است. رابطه بین قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوامع معروف به دموکراسی‌های در حال توسعه که در وضعیتی میان خودکامگی و دموکراسی قرار دارند و به عنوان دموکراسی‌های ناقص شناخته می‌شوند پیچیده تر است. زیرا در این جوامع یا اثری از دموکراسی حقوق بشر، مشروعیت، مشارکت مردمی و به طور کلی نظام مردم سالار وجود نداشته یا به اجبار و به صورت ظاهری مردم در این قشربندی مردم را به مشارکت سیاسی وادار نموده اند.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

روش تحقیق

از دیدگاه طبقه‌بندی تحقیق بر مبنای هدف از نوع کاربردی است. زیرا به دنبال به کارگیری نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون تدوین شده در تحقیقات پایه برای حل مسائل اجرایی و واقعی است. همچنین تحقیق از حیث امکان کنترل متغیرها نیز تحقیق از نوع تحقیقات شبه تجربی است، زیرا با توجه به پس‌رویدادی بودن تحقیق امکان کنترل متغیرها به نحو کامل وجود ندارد. در بخش کمی تحقیق با توجه به مطالعه ادبیات نظری و مطالعه تحقیقات گذشته متغیرها و ابعاد تحقیق در ۴ بعد کلی مشخص گردید، جدول (۱). ابزار جمع‌آوری داده پرسشنامه با سوالات بسته محقق ساخته بر اساس متغیرهای قشربندی اجتماعی در قالب طیف لیکرت بوده است. در این طیف قشربندی اجتماعی مورد ارزیابی در دامنه خیلی کم (۱)، کم (۲)، متوسط (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) ارزیابی گردیده است.

جدول ۱. متغیرها و ابعاد اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی روستائیان

ابعاد	متغیرها
مشارکت سیاسی	مشارکت در انتخابات، اطاعت از نظام سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌ها، حمایت در نقش شهروندی
مرد سالاری	جامعه‌پذیری جنسیتی، خودناباوری زنان، فاصله قدرت بین زنان و مردان، سلطه مردان، اجبار در نقش، نابرابری در تصمیم‌گیری
انگارهای مذهبی	تأثیرگذاری علما و روحانیون، توصیه‌های دینی، پایبندی به اعتقادات دینی، اخلاق در سیاست، وابستگی‌های مذهبی، احزاب دینی، آگاهیهای مذهبی، هویت دینی
پیشینه ذهنی	ذهنیت فرزند پروری، چارچوب سنتی، نهادینه شدن ذهنیت‌های نادرست، کارکرد هنجاری‌های سنتی
جامعه‌پذیری طبقاتی	سرمایه اقتصادی، حمایت دولت، قدرت طلبی، پشتوانه خانوادگی، فرهنگ سازمانی، نابرابری در موقعیت‌های شغلی، طبقه اجتماعی، قومیت، تحصیلات، آگاهی سیاسی، رسانه‌های جمعی

منبع: رئیسی و همکاران (۱۴۰۲)

جمع‌آوری اطلاعات در تحقیق براساس دو روش کتابخانه‌ای و روش میدانی بوده است. در روش کتابخانه‌ای، بررسی پیشینه و ادبیات تحقیق و در روش میدانی نیز پرسشنامه محقق ساخته مورد توجه بود. با توجه به متغیرهای تحقیق و نیز روش تجزیه و تحلیل، پرسشنامه به صورت پرسش‌های باز و بسته و همچنین شامل طیف‌هایی در قالب طیف لیکرت در مقیاس سنجش اسمی و رتبه‌ای و در برخی از جنبه‌ها، فاصله‌ای تهیه و در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. اما در ارتباط با ابزار گردآوری اطلاعات (پرسشنامه)، برای اطمینان از همانندی سؤال‌های برگرفته از پژوهش‌های پیشین با متغیرهای پژوهش و برای آشکار شدن روایی صوری این شاخص‌ها و همانندی آن با روستاهای ناحیه مورد مطالعه؛ از صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه برنامه‌ریزی روستایی مورد بررسی قرار گرفت. پس از دریافت نظرات آن‌ها، بخش‌های نیازمند بازنگری مورد نیاز در پرسشنامه صورت گرفت و تعدادی از سؤال‌های بی‌اهمیت حذف شد. برای بررسی پایایی و قابل اعتماد بودن داده‌های پرسشنامه‌ای پژوهش از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. بنابراین، ابتدا یک نمونه ۳۰ تایی از پرسشنامه در جامعه مورد نظر توزیع و با توجه به مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده، ویرایش نهایی پرسشنامه صورت گرفت و در نمونه مربوط، توزیع شد. سرانجام، برای پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای کل متغیرهای تحقیق، ۰/۷۴۸ بدست آمد که از سطح قابل قبولی برخوردار است.

جدول ۲. مقدار ضریب آلفای کرونباخ در راستای تعیین پایایی ابزار پژوهش

ابعاد	مردسالاری	انگارهای مذهبی	پیشینه ذهنی	جامعه پذیری طبقاتی
مقدار آلفای کرونباخ	۰/۷۱۰	۰/۸۳۱	۰/۷۵۱	۰/۶۹۹

جامعه آماری این پژوهش راکلیه نواحی روستایی شهرستان زاهدان تشکیل می‌دهد. که طبق آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران سال ۱۳۹۵، شهرستان زاهدان دارای ۷۷۰۸۰۰ نفر جمعیت و ۱۲۰۹۳۷ خانوار می‌باشد. که از این تعداد ۲۵۳۱۵۳ نفر ساکن شهر و ۵۱۷۶۴۷ نفر در نواحی روستایی شهرستان ساکن هستند. در این پژوهش برای انتخاب روستاهای نمونه با توجه به تعداد روستاهای شهرستان و با این پیش فرض که مشارکت سیاسی در روستاهای بزرگ امکان تجربه دارد، بنابراین گروه آزمایش را روستاهای بالای ۱۰۰۰ نفر در شهرستان انتخاب شده اند. این شهرستان طبق سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۲۳ روستای دارای سکنه بیشتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه روستاها به صورت تصادفی از فرمول کوکران استفاده شده است در این فرمول بهره گیری از سطح اطمینان ۹۵ درصد، ضریب دقت ۰/۰۵ و واریانس = ۰/۱۵ d^2 حجم نمونه برابر ۱۰ روستا تعیین گردیده است. در ادامه از بین خانوارهای روستایی با توجه به فرمول کوکران، تعداد ۲۶۱ خانوار به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفتند.

جدول ۳. مشخصات روستاهای مورد مطالعه و حجم تعداد نمونه در هر روستا

نام بخش	نام دهستان ها	نام روستاها	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	حجم نمونه
مرکزی	چشمه زیارت	حیشین سفلی	۳۹۱	۱۸۶۰	۱۲
	حریمک	سغدر	۴۶۳	۱۵۶۴	۱۲
کورین	کورین	دولت آباد	۱۳۸۷	۴۹۳۰	۲۱
	شورو	دوینه	۸۳۳	۳۲۱۷	۱۶
		ده پیش سفلی	۳۹۸	۱۷۱۹	۱۲
		رومرزعلیا	۴۰۶	۱۴۷۱	۱۲
نصرت آباد	نصرت آباد	اسماعیلی سفلی	۷۳۵	۲۳۵۵	۱۵
	دومک	دهوشهسوارخان	۳۸۱	۱۳۹۵	۱۲
		حسین آباد دهدار	۹۲۵	۲۸۸۶	۱۷
		کنارصندل	۳۵۵	۱۵۳۶	۱۱
جمع کل	۶	۱۰	۶۲۷۴	۲۲۹۳۳	۲۶۱

یافته‌ها و بحث

در تحقیق ۲۶۱ مشارکت کننده، برای پاسخ به سؤالات پرسشنامه همکاری نمودند. برای انتخاب این نمونه‌ها نیز با توجه به اهمیت موضوع، سعی گردید ضمن انتخاب تصادفی نمونه‌ها، تا حد ممکن ارزیابی معیارها توسط تمام گروه‌های جامعه روستایی انجام شود. زیرا تغییرات ابعاد تحقیق از نظر جامعه مورد مطالعه متفاوت خواهد بود، جدول (۴).

جدول ۴. مشخصات فردی پاسخگویان

جنسیت	فراوانی	درصد	گروه سنی	فراوانی	درصد	شغل	فراوانی	درصد
مرد	۱۷۶	٪ ۶۷/۶	کمتر از ۲۰ سال	۱۰	٪ ۳/۰	زراعت	۳۵	٪ ۱۳/۵
زن	۸۵	٪ ۳۲/۴	۲۰ تا ۴۰ سال	۷۴	٪ ۲۸/۸	باغداری	۱۲۳	٪ ۴۷/۱
تحصیلات		درصد	۴۰ تا ۶۰ سال	۱۲۳	٪ ۴۷/۲	دامداری	۱۸	٪ ۶/۴
ابتدایی	۱۱۳	٪ ۴۳/۵	بیشتر از ۶۰ سال	۵۴	٪ ۲۰/۰	خانه‌دار	۸۳	٪ ۳۱/۸
راهنمایی	۴۵	٪ ۱۷/۷	سابقه سکونت	فراوانی	درصد	دولتی	۲	٪ ۰/۷
دیپلم	۲۱	٪ ۸/۳	۵ تا ۱۰ سال	۴۶	٪ ۱۷/۴			
دیپلم‌ویالاتر	۱۲	٪ ۴/۲	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۳	٪ ۸/۶	تعداد کل نمونه = ۲۶۱		
-			بیشتر از ۱۵ سال	۱۹۲	٪ ۷۳/۲			

ویژگی‌های فردی پاسخگویان نشان می‌دهد که جنسیت مردان و تحصیلات ابتدایی (خواندن و نوشتن؛ آموزش نهضت سوادآموزی) بیشترین فراوانی را داشته است. همچنین از بین مشارکت کنندگان، بیشترین

گروه سنی برای سن ۴۰ تا ۶۰ سال بوده و فعالیت باغداری نیز بیشترین گروه اقتصادی مشارکت کنندگان بوده است. برحسب سابقه سکونت نیز بیشتر مشارکت‌کنندگان بیشتر از ۱۵ سال در ناحیه روستایی سکونت داشته‌اند.

ساکنین نواحی روستایی با توجه به ابعاد قشربندی اجتماعی؛ تغییرات عمیقی را در مشارکت ساکنین نسبت به گذشته احساس می‌کنند. در تحقیق این تغییرات در ۴ بعد مردسالاری، انگارهای مذهبی، پیشینه ذهنی و جامعه پذیری طبقاتی بررسی و به روش آزمون‌های آماری سعی در بررسی این اثرات است. انتخاب آزمون‌های آماری پارامتریک و غیر پارامتریک برای تحلیل بسته به پیش فرض‌های هر کدام متفاوت است. برای این انتخاب از آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها استفاده شد.

جدول ۵. بررسی نرمال بودن اطلاعات تحقیق

متغیر	مشارکت سیاسی	مردسالاری	انگارهای مذهبی	پیشینه ذهنی	جامعه پذیری طبقاتی
میانگین	۳/۲۱	۳/۴۵	۳/۱۳	۲/۳۳	۳/۱۴
انحراف معیار	۱/۲۲	۱/۴۴	۱/۳۳	۱/۲۳	۱/۴۶
آماره Z	۲/۵۴	۲/۵۰	۲/۶۴	۱/۳۸	۲/۸۳
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به این که سطح معنی‌داری برای همه ابعاد مورد مطالعه در تحقیق، کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، توزیع داده‌ها غیرنرمال است. یافته‌های تحقیق نیز از نظر پاسخگویان بیانگر آن است که ابعاد پیشینه ذهنی با کمترین میانگین و مردسالاری بیشترین میانگین را داشته است. نخستین تحلیل، بررسی رابطه میان مشارکت سیاسی ساکنین نواحی روستایی با هرکدام از ابعاد مورد بررسی در تحقیق است. با توجه به آزمون همبستگی کاندال که برای این بررسی استفاده شد، میان ابعاد تحقیق و مشارکت سیاسی ساکنین نواحی روستایی، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این رابطه در بعد مردسالاری ساکنین در ناحیه روستایی خود بیشترین و در بعد جامعه پذیری طبقاتی کمترین بوده است، جدول (۶). با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۶)، در خصوص رابطه منفی معنی‌داری بین قشربندی اجتماعی و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان زاهدان باید گفت قشربندی‌های اجتماعی نتوانسته در تمامی ابعاد باعث افزایش مشارکت اجتماعی گردد. همچنین این نکته قابل ذکر است که قدرت سیاسی از طریق مشارکت قشرهای مختلف به صورت مسالمت آمیز دست به دست می‌گردد و به عقیده صاحب‌نظران میزان توسعه سیاسی یک کشور بستگی مستقیم به مولفه مشارکت اقشار مختلف دارد و در خصوص ارتباط بین جامعه پذیری طبقاتی و مشارکت سیاسی ذکر

این نکته در خور تعمق است که جامعه پذیری طبقاتی اثربخشی خود را در تقویت مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که جامعه مدنی شکل بگیرد و شبکه‌های جامعه مدنی یکی از اجزای ضروری قشربندی می‌باشد.

جدول ۶. رابطه بین اثرات قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی روستاییان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میانگین	انحراف معیار	Kendal's tau-b ضریب همبستگی	معنی‌داری	وجود معنی‌داری
جامعه پذیری طبقاتی	مشارکت سیاسی	۳/۱۶	۱/۲۳	-۰/۳۲۲	۰/۰۰۰	دارد
انگارهای مذهبی		۳/۲۹	۱/۳۲	-۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	دارد
پیشینه ذهنی		۲/۸۳	۱/۴۳	-۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	دارد
مردسالاری		۳/۳۳	۱/۶۵	-۰/۴۴۳	۰/۰۰۰	دارد

اما به منظور تحلیل و پیش‌بینی اثرات قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی ساکنین روستایی و آشکار نمودن ابعاد اصلی اثرگذار، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد، جدول (۷). نتایج نشان دهنده اثرگذاری ابعاد اثرات قشربندی اجتماعی به مثابه متغیر مستقل، بر مشارکت سیاسی در سکونتگاه‌های روستایی بوده و این بیانگر آن است که اثرات قشربندی اجتماعی، تغییرات ابعاد مشارکت سیاسی ساکنین نواحی روستایی مورد مطالعه را تبیین می‌کند. در ارتباط با این بررسی یافته‌های رگرسیون چندگانه بیانگر همبستگی ۰/۶۲۸ بین متغیرهای مستقل و وابسته بوده است. همچنین بر اساس ضریب تعیین، ۰/۴۵۴ درصد از واریانس تغییرات مشارکت سیاسی در سکونتگاه‌های روستایی، توسط اثرات قشربندی اجتماعی تبیین شده است.

جدول ۷. نتایج رگرسیون مؤلفه‌های اثرگذار اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد
۱	۰/۶۲۸	۰/۴۵۴	۰/۴۲۲	۷/۲۵

براساس مقدار محاسبه شده برای F ، در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که از دیدگاه پاسخگویان، ترکیب متغیرهای مستقل به طور معنی‌داری قادر به تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته یعنی مشارکت سیاسی هستند، جدول (۹). رابطه بین قشربندی و مشارکت سیاسی در حقیقت یکی از محکم‌ترین فرضیه‌های جامعه‌شناسی سیاسی است که با داده‌های تجربی تایید می‌شود. که جدول (۹) گواه بر این موضوع می‌باشد. در واقع اهمیت اقشار مختلف اجتماعی به عنوان تعیین کننده همه اشکال رفتارهای سیاسی از سوی همه

جامعه‌شناسان سیاسی پذیرفته شده است که به روشنی می‌توان گفت هر چقدر قشربندی‌های اجتماعی قوی‌تر باشد، دایره، شدت و اهمیت مشارکت سیاسی وی بیشتر است.

جدول ۸. معنی داری رگرسیون مولفه‌های اثرگذار اثرات قشربندی اجتماعی و مشارکت سیاسی روستاها

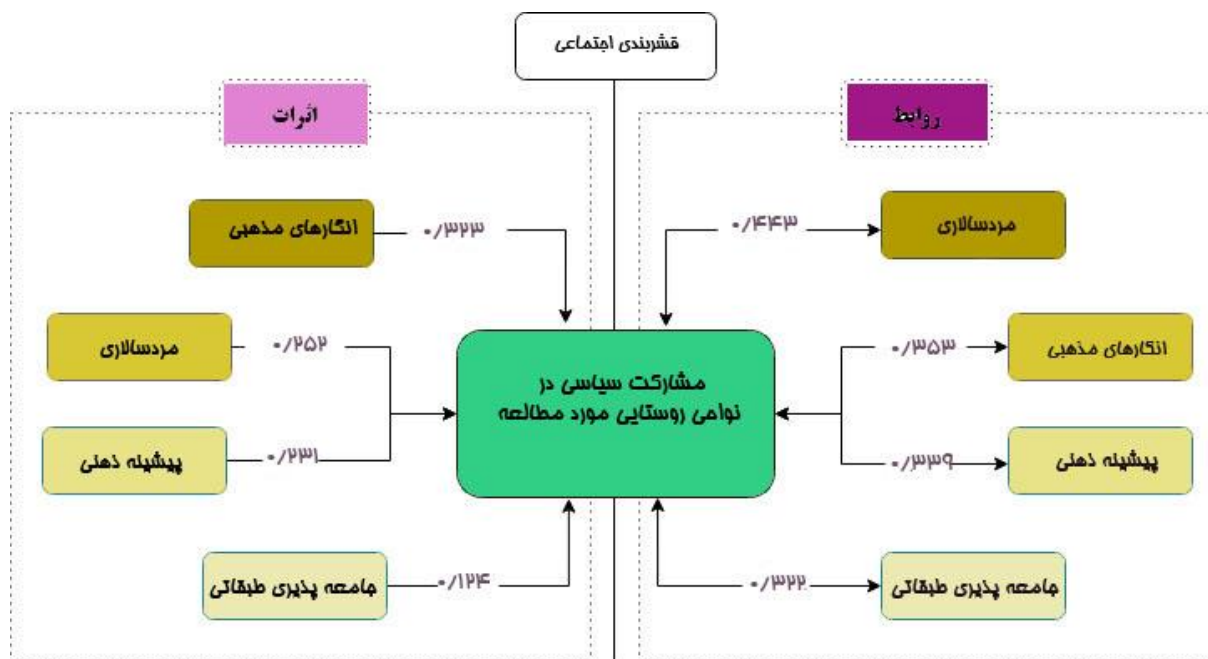
مقادیر	مجموع	درجه آزادی df	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری Sig.
اثر رگرسیون	۱۴/۱۳۴	۱	۱۴/۱۳	۲۸۱/۴۸۴	۰/۰۰۰
باقیمانده	۱۹/۴۸۳	۳۶۸	۵۲/۷		
کل	۳۴/۶۱۸	۳۶۹			

سرانجام، بر اساس ضرایب استاندارد اهمیت نسبی هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته آشکار شده است. برحسب نتایج، به ترتیب مؤلفه‌های مردسالاری، انگارهای مذهبی، پیشینه ذهنی و جامعه‌پذیری طبقاتی؛ نقش برجسته‌ای در تبیین و پیش‌بینی مشارکت سیاسی در روستاهای ناحیه مورد مطالعه دارد. در این میان، متغیر انگارهای مذهبی از بیشترین اهمیت برخوردار است، زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار این شاخص موجب می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) به میزان ۰/۷۲۳ تغییر پیدا نماید. در حالی که یک واحد تغییر در انحراف معیار سایر ابعاد به ترتیب تغییراتی به میزان ۰/۷۱۴، ۰/۵۱۶، ۰/۴۶۸ در انحراف معیار ابعاد متغیر وابسته را در پی خواهد داشت.

جدول ۹. ضرایب میزان شدت اثرگذاری ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته

ابعاد	ضریب غیر استاندارد			T	سطح معنی داری
	B	Std. Error	B		
عرض از مبدا	۳۳/۱۷۷	۳/۰۵۸	-	۱۰/۸۵۱	۰/۰۰۰
انگارهای مذهبی	۰/۷۲۳	۰/۱۱۲	۰/۳۲۳	۶/۶۰۲	۰/۰۰۰
مردسالاری	۰/۷۱۴	۰/۱۷۵	۰/۲۵۲	۴/۲۰۶	۰/۰۰۰
پیشینه ذهنی	۰/۵۱۶	۰/۱۱۱	۰/۲۳۱	۴/۷۸۵	۰/۰۰۰
جامعه‌پذیری طبقاتی	۰/۴۶۸	۰/۱۵۳	۰/۱۲۴	۲/۹۴۶	۰/۰۳

برای تفهیم مناسب نتایج تحقیق نیز نتایج روابط و اثرات ابعاد مورد بررسی تحقیق بر مشارکت سیاسی، مدل تجربی نتایج تحقیق به صورت شکل (۲)، بیان می‌گردد.



شکل ۲. مدل تجربی اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی در نواحی روستایی

نتیجه‌گیری

مشارکت سیاسی دخالت واقعی مردم در سرنوشت جامعه خویش به دور از هرگونه تهدیدات سیاسی، شغلی و یا انتظارات مادی و مقامی تعریف می‌گردد. که عوامل و ابعاد زیادی در افزایش یا کاهش آن موثر واقع می‌گردد. یکی از آنها قشربندی‌های موجود در ساختار یک نظام است. در این راستا در پژوهش حاضر سعی شده است مشارکت سیاسی با توجه به قشربندی‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار گیرد.

تحقیق جنبه‌های قشربندی اجتماعی را در ۴ بعد، پیشینه ذهنی، مردسالاری، جامعه پذیری طبقاتی و انگاره‌های مذهبی مورد توجه و بررسی قرار داد. این ابعاد، کلیت تحقیق بوده که تفسیر آن در کلیت مشارکت سیاسی مورد توجه بود. نتایج تحقیق مشخص می‌کند که بیشترین تغییرات و اثرات قشربندی اجتماعی بر روی مؤلفه‌های مردسالاری و انگاره‌های مذهبی ساکنین در نواحی روستایی مورد مطالعه بوده است. اگرچه تاکنون پژوهشی به بررسی اثرات قشربندی اجتماعی بر مشارکت سیاسی خانوارهای روستایی نپرداخته است و این موضوع از این حیث تازه و نو می‌باشد؛ در کلیت می‌توان به نقش منفی و واگرای قشربندی اجتماعی و اثرگذاری عوامل و ابعاد آن در شاخص‌های مشارکت سیاسی به مثابه فرصتی و یا تهدیدی در توسعه مشارکت روستایی اشاره نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های سیاسی و مذهبی بسرعت در نواحی و مناطق استان سیستان و بلوچستان آغاز شد و ساکنان این منطقه (اعم از شهری و روستایی) را در آستانه تحولات جدیدی قرار داد. از

یک طرف دولت موقت تا حدودی بلوچ‌ها را در امور سیاسی منطقه فعال نمود و به یک باره میزان مشارکت آن‌ها را در اداره امور منطقه افزایش داد و از سوی دیگر، ماهیت خان ستیزی انقلاب، با به خطر انداختن قدرت واقتدارخوانین موجب فراری شدن آنها از منطقه به بلوچستان پاکستان شد. این تغییرات به سرعت باعث شد که روحانیون منطقه کم کم خود را به رهبران سیاسی و مذهبی مبدل سازند و خواسته‌هایی از قبیل حقوق مساوی و برابر در حاکمیت را مطرح نمایند و انگاره‌های مذهبی جدید شکل گیرد (طاهری، ۱۳۸۷: ۴۱۷). با توجه به مذهبی بودن مردم بلوچ، علمای مذهبی بر همه قشرها اثر عمیق گذاشته‌اند و در حقیقت روایت‌های مذهبی علما چهارچوب جدیدی به قشربندی اجتماعی داده است که در مشارکت سیاسی آنان تاثیرگذار بوده است.

از طرف دیگر نظام مردسالاری در منطقه نیز قشربندی جدیدی ایجاد نموده که زنان در مشارکت سیاسی تابع مردان هستند و خود نابآوری زنان و تسلط مردان در مشارکت سیاسی آنان تاثیرگذار است. همچنین وجود نظام قشربندی‌های اجتماعی خانی و سرداری تا حال حاضر سبب مشارکت غیر عقلایی و عدم توسعه شهرستان زاهدان گردیده و در عین حال نیز توسعه نیافتگی گذشته را در خود حفظ نموده است. حمایت مردم از این قشربند ها نیز سبب کاهش مشارکت سیاسی گردیده است.

کتابنامه

۱. آگهی، حسین بینائیان اکرم فتاح، صابر (۱۳۹۶)، «بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی، روستا (مورد مطالعه: شهرستان هرسین - دهستان شیرز)، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۴، شماره ۱، ص ۳۸ - ۲۱.
۲. آقابخشی، علی اکبر، افشاری راد، مینو (۱۳۸۷)، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، تهران.
۳. احمدی، احمد، رضائی، حسیه. (۱۳۹۴). رابطه رفاه اجتماعی با مشارکت سیاسی معلمان (مطالعه موردی: معلمان شهر مریوان). برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۷(۲۴)، ۲۳۱-۲۶۷.
۴. امیری، علی رضایی، مریم (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر جدایی گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان (مطالعه موردی: شورای شهر خرم آباد)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۲، ص ۶۹۶ - ۶۷۵.
۵. امینی، علی اکبر؛ خسروی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، «تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، شماره ۷.
۶. انصاری، ابراهیم (۱۳۷۸) نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان.
۷. بشیریه، حسین. (۱۳۷۸). جامعه مدنی در توسعه سیاسی در ایران، گفتارهایی در جامعه‌شناسی ایران. تهران: مؤسسه نشر علوم زمین.
۸. جهانبانی، امان الله، (۱۳۳۸)، سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن، نشر ایران چاپ، تهران.

۹. جانب‌اللهی، محمد سعید (۱۳۷۰)، « نکاتی از نقش پنهان زن در گستره پنج قرن تاریخ عشایر بلوچ از صفویه تا پهلوی»، فصلنامه ذخایر انقلاب، شماره ۱۱ و ۱۶.
۱۰. حاج باقری، محسن پرویزی، سرور صلصالی، مهوش (۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق کیفی، نشر بشری، تهران.
۱۱. حیدری، آرمان، محمدی، اسفندیار، باقری، شهلا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه اعتماد نهادی با گونه‌های مشارکت سیاسی (مورد مطالعه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر شیراز). راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۶(۲)، ۱۴۱-۱۷۲.
۱۲. راش، مایکل (۱۳۷۸) جامعه و سیاست مقدمه بر جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم، منوچهر صبوری، نشر سمت، تهران.
۱۳. رحیمی، علیرض فرج پهلوی، عبدالحسین عصاره، فریده شهبازی، مهدی (۱۳۹۶)، « بررسی تحولات پژوهش‌های حوزه ارزیابی کیفیت داده‌ها و اطلاعات در نظام‌های اطلاعاتی از سال ۲۰۰۰ تا نیمه نخست ۲۰۱۵ »، پژوهش‌نامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۳۳، شماره ۲، ص ۹۴۴-۹۱۵.
۱۴. رومینا، ابراهیم و صادقی، وحید (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی دهی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)». فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱(۳)، ۸۴-۱۱۶.
۱۵. رئیس، سیما تفضلی، حسین توحیدفام، محمد طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)، « موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان در منطقه بلوچستان»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۸، شماره ۲، ص ۳۱۳-۳۳۴.
۱۶. رئیس، سیما، تفضلی، حسین، توحیدفام، محمد، طاهری، احمدرضا. (۱۴۰۲). مطالعه مشارکت سیاسی زنان بلوچ با توجه به قشربندی اجتماعی منطقه بلوچستان. زن در توسعه و سیاست، دوره ۲۱، شماره یک، ص ۱۱۲-۸۳.
۱۷. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۸. صفری، حسین دانش پروانه فخرایی، سیروس (۱۳۹۶)، « تحلیل جامعه‌شناختی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی (مورد مطالعه: زنان شهری استان آذربایجان شرقی)»، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال نهم، شماره اول، ص ۱۵۹-۱۴۱.
۱۹. طاهری، احمدرضا (۱۳۸۷)، « ماهیت سیاست سیاست در بلوچستان ایران عصر پهلوی»، همایش گذری بر تاریخ بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲۰. طهماسبی، شهرام، جواهری پور، مهرداد، محسنی، رضاعلی. (۱۳۹۸). تأثیر دولت رانتیر بر الگوهای مشارکت سیاسی (مورد پژوهی: ایران در دوره جمهوری اسلامی). تغییرات اجتماعی - فرهنگی، ۱۶(۳)، ۴۰-۵۸.
۲۱. کمالی، علی (۱۳۹۲) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی نابرابری‌های اجتماعی، چاپ ششم، انتشارات سمت.
۲۲. گرب، ادوارد (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد، چاپ اول، انتشارات معاصر.
۲۳. گلابی، فاطمه حاجیلو، فتانه، (۱۳۹۱)، «بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان، مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره یک، ص ۲۰۰-۱۷۳.
۲۴. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری کاشانی، نشر نی، تهران.
۲۵. قادری، صلاح‌الدین (۱۳۹۷)، «ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه‌بندی فرهنگی اجتماعی محله‌های شهر تهران»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره ۷، شماره ۴، ص ۷۷۶-۷۳۱.

۲۶. قوام، عبدالعلی، (۱۳۷۴)، نقد نظریه های نوسازی و توسعه سیاسی، بررسی نظریه پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم، نشر دانشگاه مطهری، تهران.
۲۷. مبارکی، داریوش؛ محدثی، حسن، (۱۳۹۷)، « انقلاب اسلامی و تحول نظام قشربندی در بلوچستان ایران». مجله مطالعات اجتماعی اقوام، دوره اول شماره اول، ص ۲۰۳۴ - ۲۰۵.
۲۸. مهدوی، مسعود (۱۳۹۲)، مقدمه بر جغرافیای روستایی ایران شناخت مسائل جغرافیایی روستاها، تهران، نشر سمت.
۲۹. نواب بخش، مهرداد صوری، صداقت (۱۳۸۸)، « بررسی اجتماعی و عوامل موثر بر آن در شهر گرمی»، مجله جامعه شناسی معاصر، سال اول، شماره سوم، ص ۱۰۸ - ۸۱.
۳۰. هانتینگتون، ساموئل، (۱۹۷۶)، نظریه برخورد تمدن ها، هانتینگتن و منتقدانش، مترجم: مجتبی امیر، نشر وزرات امور خارجه، تهران.

31. Bilton, T., Bonnett, K., Jones, P., Skinner, D., Stanworth, M., & Webster, A. (2002). *Introductory sociology* (p. 532). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
32. Bueno, M and Bruce, A.S and Siverson, R and D.Morrow, J. (2003). *The Logic of political survival* combridge, MA: MIT University press.
33. Exposito, L. P. (2014). " Rethinking Political Participation: A Pedagogical Approach for Citizenship Education", *Theory and Resarch In Education*, Vol. (2): 229-251.
34. Hooghe, M. and Morien, S. (2013). "a Comparative Analysis of the Relation between Political Trust and Forms of Political Participation in Europe", *Europien Studies*, 15 (1): 131- 152.
35. Ikeda, K. (2014). " Social and Institutional Trust in East and Southeast Asia", *Globalbarometer, Working Paper Series*, (59): 1- 29.
36. Lamprianou, I. (2013). " Contemporary Political Participation Research: A Critical Assessment", in, K. N. Demotriou (ed). *Democracy In Transition*: 19- 42.
37. Sultana, Abeda (۲۰۱۰). *Patriarchy and Women's Subordination:A Theoretical Analiysis*. Signs ۶,۳pp.۳۹۴-۳۶۶
38. Georg Simmel, *Money in Modern Culture*, In, *Theory, culture and Society*, Sage, Vol. ۸, ۱۹۹۱pp. ۱۷۳۱
39. Woods, M., & McDonagh, J. (2011). Rural Europe and the world: Globalization and rural development. *European Countryside*, 3(3), 153-163.